

# نشست بررسی تحولات اخیر کشمیر

به همت اندیشکده راهبردی تبیین و با حضور جناب آقای سبط محمد شبیر، رئیس مجمع پیروان ولایت کشمیر



کشمیر به صورت خلاصه چیست؟ وضعیت مذهبی اعم از بحث شیعه و سنی یا بحث‌های فرق و مذاهبی که در این منطقه است به چه شکل است؟ چینش اجتماعی مردم کشمیر به چه شکل است؟ در آخر نیز اگر در مورد دو مسئله صحبت شود، بسیار متشکر می‌شوم، یکی بحث ورود اسلام به این منطقه که باید از نظر تاریخی مورد بررسی قرار گیرد و دیگری حضور استعمار و جریان‌های استعماری در آنجا؟

**سبط محمد شبیر:** أعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین. بنده نیز از دوستانی که این فرصت را برای بنده فراهم آورده‌اند تشکر می‌کنم. در ضمن سؤالی که شما فرمودید، از حیث تاریخی و جغرافیایی و باستانی کشمیر منطقه‌ای قدیمی است؛ یعنی کشمیر تاریخ چندین هزار ساله

**مجری:** بسم الله الرحمن الرحیم، عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت همه عزیزان، مهمانان گرامی و حضار عزیز به ویژه مهمان عزیزمان آقای «سبط محمد شبیر» که اصالتاً کشمیری هستند و فعلاً در ایران ساکن می‌باشند. خدمت تمام دوستان خوشامد عرض می‌کنم. امروز نشست را با حضور مهمان عزیزمان و حضار گرامی در خصوص وقایع اخیر کشمیر، تحولات اخیر که در قالب اعتراضات کشمیر در حال وقوع است و در رسانه‌ها نیز کم و بیش به آن پرداخته شده است برگزار کرده‌ایم. در ابتدا بنده به عنوان مجری برنامه یکسری سؤالات را از مهمان برنامه خواهم پرسید و در ادامه إن شاء الله از سؤالات حضار استفاده خواهیم کرد. سؤال اولی که از مهمان عزیزمان دارم در مورد کلیت و سابقه تاریخی کشمیر است. اساساً تاریخچه

دارد و در اوایل آنجا بودایی‌ها و سپس هندوها حضور داشتند که این حضور در این منطقه تا حدود قرن هفتم ادامه داشته است. کشمیر منطقه سرسبز کوهستانی است که سرد و خوش آب و هوا است. گاهی به این منطقه بهشت روی زمین گفته می‌شود. اسم دیگری که بعد از ورود اسلام به آن داده شد، ایران صغیر است، چون فرهنگی که در کشمیر وجود دارد بعد از اسلام، تقریباً مشابه فرهنگ ایرانی است و از لحاظ آداب و سنتی که ما در کشمیر می‌بینیم، بیشترین آداب بین مسلمانان آنجا همان آدابی است که از مبلغین مذهبی به کشمیر وارد کردند و هنوز هم در آنجا به صورت مشهود وجود دارد. جریانی که منجر به ورود اسلام به کشمیر در قرن هفتم شد به ورود میر سیدعلی همدانی(ره) برمی‌گردد که با ۶۰۰ نفر اعم از افرادی که طبیب، حکیم، هنرمندان و... بودند به آنجا آمد و مردم را به خود جذب کرد و این رمز موفقیت ایشان بود، چون برای مردم کشمیر کار بسیار مهم بود. وی به مردم دستبافی، قالبیافی، هنر، شیوه کشت زعفران و... یاد داده است که ریشه کشت زعفران در کشمیر کنونی به آن موقع برمی‌گردد. ایشان با آوردن این ۶۰۰ نفر به کشمیر در مردم نفوذ کرد و کار را به جایی رساند که کل منطقه مسلمان شود. کل منطقه کشمیر از آن زمان تا الآن مسلمان است. مردم کشمیر به میرسیدعلی همدانی(ره) علاقه فراوانی دارند و هر ساله برایش کنفرانس و نکوداشت برگزار می‌کنند. به این خاطر مردم کشمیر به ایران و فرهنگ آن قرابت دارند. در آنجا ایرانی‌هایی نیز حضور دارند که مثلاً از همدان، سمنان، گیلان و... به آنجا رفته‌اند. جریان‌های بسیار زیادی بعد از این واقعه به وجود آمده‌اند بسیار هستند که می‌توان به آن‌ها پرداخت.

با این حال در کشمیر منطقه‌ای به نام شوپی‌ون وجود دارد که اصل کلمه شیعه‌ون یعنی جنگل شیعه‌ها بوده است. افراد قدیمی آنجا می‌گویند که شیعه بوده‌اند. بنده چندی پیش با فردی در منطقه اسلام‌آباد صحبت می‌کردم. مطابق این مصاحبه در آنجا تکایایی مشابه به آنچه در ایران است وجود دارد. به عبارتی در منطقه‌ای که حتی یک شیعه وجود ندارد، تکایا وجود دارد و مردم در آنجا جمع می‌شوند.

**مجری:** کمی در مورد ورود استعمار به این منطقه توضیح دهید.

**سبط محمد شبیر:** بعد از اینکه کمپانی هند شرقی وارد هند شد یعنی در سال ۱۸۹۰، به کشمیر نیز وارد شدند. وقتی هند و پاکستان از یکدیگر جدا شدند، کشمیر مستقیماً تحت تصرف استعمار بی‌رحم انگلیس بود و هیچ ربطی به هند و پاکستان نداشت. کشمیر آن موقع در دست مهاراجه هریسین بوده است. مهاراجه هریسین در زمانی که آنجا وجود داشته است، اکثریت مردم کشمیر مسلمان بودند. آن‌ها نسبت به ایشان اعتراض کردند. در ۱۳ جولای سال ۱۹۳۱م کشتار وسیعی در این خصوص در کشمیر به وقوع پیوست. در کشمیر چه آن‌هایی که طرفدار هند، چه آن‌هایی که طرفدار پاکستان و چه آن‌هایی که طرفدار استقلال هستند همگی از این روز به‌عنوان روز شهدا یاد می‌کنند و برای آن سالگرد برپا می‌نمایند. بعد از آنکه در سال ۱۹۴۷م هند و پاکستان از یکدیگر جدا شدند، کشمیر یک هویت مستقل برای خود داشته است. آن زمان کشمیر نه با هند و نه با پاکستان بوده است، ولی بعد از تقسیم، میان دو کشور بر سر تصاحب کشمیر تنازع و درگیری به وقوع پیوست. پاکستان می‌گفت که چون کشمیری اکثریتی مسلمان دارد، متعلق به پاکستان است (مطابق قراردادی که میان دو کشور منعقد شد).

هندوستان می‌گفت که چون ریاست و مهاراجه کشمیر متعلق به هندوهاست، پس این منطقه متعلق به هند است. این درگیری‌ها تا سال ۱۹۵۳م ادامه داشت. تا آن زمان کشمیر هم هویت خود و هم نخست‌وزیر داشت و کشور به‌طور کامل به اشغال درنیامد اما زمانی که مهاراجه، هند را برای کمک به کشمیر آورد (زیرا می‌ترسید که از سوی پاکستان حمله صورت بگیرد) کشمیر را در ازای ۱۵۰ هزار روپیه به هند فروخت. مطابق این معامله زمین و مردم کشمیر در ازای این مبلغ به هند واگذار شد. همان زمانی که هندی‌ها وارد کشمیر شدند، نهر و مسئله را به سازمان ملل برد و در سازمان ملل قطعنامه شد که مردم کشمیر حق تعیین سرنوشت خود را دارند و هر موقع فراندومی صورت بگیرد می‌توانند به هند یا پاکستان ملحق شوند. با این حال چیزی که ۹۵٪ مردم کشمیر خواهان آن هستند، استقلال است، اما تاکنون به‌علت اقدامات استعماری، چنین چیزی اجرایی نشده است.

**مجری:** در ادامه قصد دارم که در خصوص حوادث اخیر در هند سؤالاتی را بیرسم. اول اینکه تاریخچه این اعتراضات از کجا شروع می‌شود. شرایط فعلی اعتراضات به چه صورت است و در آخر نیز چه آینده‌ای برای این اعتراضات متصور هستید و فکر می‌کنید که این اعتراضات به چه می‌انجامد؟

**سبط محمد شبیر:** از همان ابتدایی که کشمیر به هند ملحق شد، اعتراضات وجود داشته است و اعتراضات کنونی چیز جدیدی نیست. بنابراین اعتراضات مردم کشمیر به اشغال این کشور توسط هند از سال ۱۹۴۷م شروع شده است و کماکان ادامه دارد. به عنوان مثال در اولین اعتراض که در کشمیر توسط شیخ محمد عبدالله صورت گرفت، وی به مدت ۱۴ سال در زندان بوده است. در اینجا لازم است که به نکته مهمی اشاره

کنم. این اعتراضات در کشمیر بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، شدت بیشتری یافته است. به عبارتی انقلاب مردم ایران، امیدی در دل مردم کشمیر ایجاد کرد. از این رو بعد از انقلاب اسلامی یکسری جریان‌های جدید به وجود آمدند. گرچه شاید این تحولات عمومی نبوده است اما در دانشجویان و نخبگان چنین آثاری به وجود آمده است که نتیجه آن در اعتراضات خونین در سال ۱۹۸۴ شد که یکی از مبارزان کشمیری اعتراض کرده و در پی این اعتراض وی را بردند و اعدام کردند. در سال ۱۹۸۷ در انتخابات که جبهه متحد مسلمان مطابق همان اثری که مردم از انقلاب اسلامی ایران گرفته بود، ۹۵٪ آرا جبهه متحد مسلمان تعلق داشت. با این حال هند آن‌هایی که ۵٪ رای را آورده بودند پیروز اعلام کرد و سایرین را مردود اعلام نمود. این امر انزجار مردم را بیشتر کرد. تا آن زمان اعتراضات به‌صورت سیاسی بود، مثلاً تظاهرات و اجتماعات اما از این زمان به بعد وقتی که جوانان کشمیر می‌بینند که دیگر نمی‌توان دست روی دست گذاشت، شورش‌های مسلحانه از سال ۱۹۸۹م شروع شد. دلیل وقوع اعتراضات مسلحانه، نادیده گرفتن رای مردم در انتخابات بوده است. هنوز نیز در مصاحبه‌ها، روزنامه‌ها، کانال‌های هندی نیز مطرح می‌شود که علت مبارزات مسلحانه نادیده گرفتن رای مردم کشمیر است. از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ شورش‌های مسلحانه در هند شدت زیادی داشته است. در همین مدت بیش از ۵۰ هزار نفر کشته شده‌اند. تا ۸۰ هزار نفر نیز زندانی شدند. اما بعد از ۱۹۹۵م شدت جنگ‌های مسلحانه کمتر شده است. با این حال باید عرض کنم که افرادی که در کشمیر به‌صورت مسلحانه می‌جنگیدند، خیلی طرفدار امام و انقلاب اسلامی بودند. بنده این امر را خود شاهد بوده‌ام. هنوز نیز مردم کشمیر از انقلاب ایران طرفداری می‌کنند. بنده هنوز

عضو مجلس متحد علما کشمیر و همچنین مجلس اتحاد ملت هستیم. بنده در این دو جا کماکان رفت و آمد دارم. تاکنون هر موقع که بنده به آنجا رفته‌ام، یک روز نبوده است که از ایران و انقلاب اسلامی تمجید نکرده باشند و حرفی از ایران نزده باشند. از هر فرقه، طایفه و گروهی که باشند، در کشمیر در میان مردم این کشور اثری فکری از انقلاب اسلامی ایران وجود دارد. مردم کشمیر انقلاب اسلامی ایران را خیلی دوست دارند. نباید اینگونه فکر کرد که چون بیشتر مردم کشمیر از اهل سنت هستند، از ایران بیزار هستند بلکه برعکس برخی از سنی‌های این کشور از شیعیان اعتقاد بیشتری به ایران دارند. از سال ۱۹۹۵م به بعد اعتراضات مسلحانه کم‌رنگ شد. از سال ۲۰۰۰م به بعد مردم به صورت تظاهرات اعتراضات خود را نشان می‌دادند، اما هندی‌ها اجازه این کار را نمی‌دادند و خفقان شدیدی در کشمیر به وجود آمد. در سال ۲۰۰۹م، از آنجا که هندی‌ها به اسرائیلی‌ها خیلی نزدیک هستند و در اسرائیلی‌ها در کل آموزش‌های ارتش هند مشارکت دارند، هندی‌ها می‌خواستند که همانند اسرائیلی‌ها در کشمیر شهرک‌سازی کنند و هندوها را در آنجا ساکن نمایند. کشمیر کماکان قانونی برای خود دارد مبنی بر اینکه هیچ هندی نمی‌تواند در کشمیر زمین بخرد و مالکیت داشته باشد، گرچه قریب به ۸۰۰ هزار نفر نیروی نظامی هندی در آنجا حضور داشته باشند (جمعیت کشمیر ۱۲ میلیون نفر است و بنابراین برای هر ۱۵ نفر کشمیری یک سرباز گماشته شده است). با این وجود در سال ۲۰۰۹م مردم مقابل آن‌ها ایستادند و در آخر اینگونه شد که سربازان هندی تظاهرات مردم را با گلوله پاسخ دادند. اما حجم تظاهرات به حد میلیونی رسید و به قدری زیاد شد که مجبور شدند خیابان‌ها را با آهن ببندند و حتی از سایر مناطق هند نیروی اضافی اعزام کنند. مردم کشمیر صرفاً تعصب

ملیتی ندارند بلکه ریشه اصلی آن‌ها اسلامی است. شما به حوادث اخیر در کشمیر نگاه کنید. چرا برهان وانی در کشمیر محبوبیت پیدا کرده است. این ثمره حوادث سال ۲۰۱۰ کشمیر است که ۱۱۰ نفر از مردم کشمیر با مظلومیت کشته شدند که طی آن هیچ کس به واسطه قانونی که در کشمیر وجود ندارد محاکمه نشد. لازم به ذکر است که در کشمیر قانونی تحت عنوان اختیارات ویژه ارتش وجود دارد که طی آن ارتش به هر کس شک کند می‌تواند بکشد و نسبت به هیچ کس نیز پاسخگو نیست. سروریز کشمیر تلاش می‌کند که با کمک نمایندگان پارلمان هند این قانون را تغییر دهد اما حاکمیت هند چنین چیزی را نمی‌پذیرد. در سال ۲۰۰۲ عمر عبدالله که سروریز آن موقع کشمیر بود می‌گفت که من به عنوان سروریز خبر ندارم که ارتش کشمیر در کجا دارد چه کار می‌کند. حوادث کنونی کشمیر و شهادت برهان وانی ثمره حوادث ۲۰۱۰ و همچنین ۲۰۰۲ این خطه بوده است که چرا مسلمانان معترض کشته می‌شوند. برهان وانی در شبکه‌های اجتماعی خود می‌نویسد که من برای آینده خود دو راه داشتم، یکی اینکه ادامه تحصیل دهم و راه دوم این بود که برای مردم و مسلمانان کشمیر که مظلوم هستند یک راهی قرار دهم تا بتوانند حق خود را بستانند، زیرا می‌دانم که چند سالی بیشتر زندگی نخواهم کرد اما می‌خواهم در طی این چند سال برای مردم مفید باشم. او می‌گوید که صرفاً با هند خواهد جنگید تا آنچه که حق مردم کشمیر است بپذیرند. مردم از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ مردم کشمیر همواره در حال اعتراض هستند و کشتار ادامه دارد. ۲ ماه پیش ۵ نفر کشته شدند. یک بار سربازان ارتش هند می‌خواستند به دختر خانمی تجاوز کنند اما مردم محلی آمدند و وی را نجات دادند، اما سربازان هندی در برابر اعتراضات مردمی به این مسئله آن‌ها را

به گلوله بستند و محاکمه هم نشد. حال نباید به این ظلم و خفقان معترض شد؟ یک بار سربازان هندی به ۴۰ خانم در یک روستا تجاوز کردند اما با گذشت ۲۰ سال از این قضیه و با وجود شکایت مردم در دادگاه، تاکنون هیچ کس محاکمه نشده است. مسئله حقیقی این است که در کشمیر خفقان شدید وجود دارد. اعتراضاتی که شما هم اکنون در کشمیر می بینید، پیش از این نیز وجود داشته است و در آینده نیز وجود خواهد داشت. چرا تاکنون کشمیر موفق نشده است تا استقلال خود را به دست بیاورد؟! این مسئله چند علت دارد. بنده چون در کشمیر با همه صحبت می کنم این دلایل را اینگونه می بینم علت اول آن این است گروه های سیاسی کشمیر می گویند که تصور امامت و ولایتی که در ایران وجود ندارد در کشمیر وجود ندارد، اما اگر ما چنین اعتقاداتی داشتیم، حتما تاکنون پیروز شده بودیم. ما مردم کشمیر می جنگیم و قربانی می دهیم و همه چیز خود را فدا می کنیم ولی اگر تصور مردم ایران از اسلام را ما داشتیم، حتما پیروز خواهیم شد.

**مجری:** منظورشان عقیده شیعیان است؟

**سبط محمد شبیر:** بله می گویند که اگر ما عقیده شیعیان را داشتیم حتما پیروز می شدیم و شکست نمی خوردیم.

**مجری:** آیا منظورشان ولایت فقیه است.

**سبط محمد شبیر:** منظور به طور کلی امامت و ولایت است. اما مفهوم ولایت فقیه را شاید به طور دقیق ندانند اما معنی امامت و ولایت را مطالعه می کنند یا در مواردی از بنده کتاب هایی خواستند که در اختیار آن ها قرار دهم تا این کتاب ها را مطالعه کنند تا ببینند که این ولایت چه چیزی دارد که تا این اندازه با اثر است. بنده با افرادی که در رابطه با جدایی طلبی نقش مؤثری دارند به شخصه صحبت کرده ام و حتی با آن هایی

که در زندان هستند نیز صحبت کرده ام. آن ها از گفتمان انقلاب اسلامی خیلی متأثر هستند. مردم شیعه در کشمیر اعم از شیعه و سنی راهپیمایی روز قدس را برگزار می کنند. بنابراین صرفا شیعیان کشمیر که به فتوای امام اعتقاد دارند برای راهپیمایی روز قدس عازم نمی شوند بلکه کل مردم کشمیر راهپیمایی می کنند. این اثر انقلاب اسلامی است.

**مجری:** شما در صحبت های پیشین خود توضیحاتی را در رابطه با ریشه اصلی اعتراضات در کشمیر بیان کردید. لطفا به آن بیشتر بپردازید. آیا صرفا یک مطالبه ملی گرایانه یا تمامیت خواهانه است یا اینکه سهم اصلی را مباحث اسلامی و ایدئولوژیک دارند؟

**سبط محمد شبیر:** سهم اسلامی در مبارزات مردم کشمیر بیشتر است، چون بعد از کشت و کشتار جامو که طی تقسیم هند و پاکستان روی داد، نفرت شدیدی میان مردم کشمیر نسبت به هندی ها به وجود آمد. هنگام تقسیم هند و پاکستان، کشتار مردم مسلمان جامو که اکثرا شیعه بودند از سوی هندی ها به وقوع پیوست و باعث شد که باقیمانده ها به سمت پاکستان فرار کنند. این اتفاق منجر به انزجار مردم مسلمان آن منطقه نسبت به هندی ها شده است. در کشمیر چند جریان وجود دارد. یکی از این جریان ها جیکی علف است که خواهان جدایی کشمیر هستند. این جریان ملی گرا است گرچه گرایشات مذهبی نیز دارد. جریان حریت در کشمیر دو نوع است، یکی متعلق به اسماعیل فاروق و دیگر متعلق به سیدعلی شاه گیلانی است. هر کدام از این جریان ها در برگیرنده ۲۳ تشکل است و اکثریت تشکل ها مذهبی هستند. بیشترین اثر را در کشمیر سیدعلی شاه گیلانی دارد و مردم وی را رهبر فعلی نهضت کشمیر می دانند. ایشان فردی مذهبی است که به انقلاب

اسلامی بسیار نزدیک است و علناً در همه جا جریان‌های تکفیری و داعش را نکوهش کرده است و گفته که آن‌ها غیر اسلامی هستند. وی مخالفت خود با جریان تکفیری و داعش را بارها در روزنامه‌ها اعلام کرده است. سایر این تشکل‌ها نیز جنبه مذهبی دارند و رئیس بیشتر آن‌ها شخصیت‌های روحانی و مذهبی هستند. با این حال هندوها نیز در برخی از مناطق کشمیر حضور داشته و برای خود حق تعیین سرنوشت دارند. از طرفی سیک‌ها نیز به‌طور پررنگ‌تر از هندوها در دره کشمیر حضور دارند و دارای تشکل‌های خاص خود هستند. اما نهضتی که در کشمیر وجود دارد، عمدتاً یک نهضت امجری است و همانطور که عرض کردم بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران شدت گرفته است. از لحاظ استراتژیک منطقه کشمیر برای انقلاب اسلامی بسیار مهم است. اگر این نهضت در کشمیر به نتیجه برسد بر ۵۰۰ میلیون نفری که در هند و پاکستان هستند، اثر می‌گذارد زیرا اثر انقلاب در این منطقه وجود دارد. همه می‌دانند که اثر انقلاب اسلامی ایران خیلی بیشتر از جدایی هند و پاکستان روی منطقه مردم کشمیر تأثیر گذاشته است. نفوذ تفکر انقلاب اسلامی در مردم کشمیر به تدریج صورت گرفته است، زیرا در گذشته مانند امروز شبکه‌های اجتماعی وجود نداشته است که اخبار و تحولات را سریعاً به مردم سایر کشورها انتقال دهد. در حال حاضر نیز انقلاب اسلامی ایران بر مردم کشمیر تأثیر دارد اما اگر ما کار نکنیم، دیگران از این وضعیت مردم کشمیر سوء استفاده خواهند کرد و آن را به نفع خود مصادره می‌کنند.

**مجری:** در ادامه قصد دارم که موضع چهار جریان را نسبت به این قضیه بررسی کنم. چهار جریانی که عرض می‌کنم کشورهایی هستند که در حال درگیری با این مسئله هستند و

۲ جریانی دیگری که عرض خواهم کرد، عملاً کشور نیستند. این کشورها، هند و پاکستان هستند که در این قضیه درگیر هستند. موضع این دو کشور نسبت به این اعتراضات و ناآرامی‌ها چیست؟ خود مردم کشمیر به عنوان مردم بومی آن منطقه چه دیدگاهی نسبت به کلیت مسئله دارند؟ در آخر این که نظامی سلطه نسبت به اعتراضات مردم کشمیر چه موضعی دارد؟ دست آخر نیز بفرمایید که موضع جمهوری اسلامی ایران در برابر موضوع کشمیر باید به چگونه باشد؟

**سبط محمد شبیر:** ابتدا بنده باید راجع به هند صحبت کنم. مشکلی که هند از لحاظ سیاسی دارد، که کسانی که در احزاب سیاسی هستند کاملاً می‌دانند که وضعیت و خواست کشمیر چیست ولی به خاطر تحت تأثیر قرار دادن مردم هند و دریافت آرا از آن‌ها به نفع حزب خود، در مورد کشمیر سیاسی‌بازی می‌کنند. تاکنون هیچ‌یک از آن‌ها اجازه نداده‌اند که مردم هند بدانند که در کشمیر چه دارد می‌گذرد. در ۶۸ سال گذشته این اولین بار است که اعتراضات در داخل خود هند صورت گرفته است؛ مثلاً اعتراضاتی که در حیدرآباد، دهلی‌نو، کلکته و... صورت گرفته است. حتی وزرای سابق نیز در این باره موضع گرفته‌اند و گفته‌اند که باید به مردم کشمیر اختیارات وسیعی داده شود، زیرا که ما هر موقع که به مردم هند وعده داده‌ایم، خلف وعده کرده‌ایم و نتوانسته‌ایم اعتماد مردم کشمیر را به سمت خود جلب کنیم. دیدگاه مردم هند که از سوی رسانه‌ها تغذیه می‌شود، علیه مردم کشمیر است اما اکنون که به‌واسطه شبکه‌های اجتماعی وقایع کشمیر برای آن‌ها روشن شده است، خود مردم هند نسبت به این قضیه اعتراض کرده‌اند. مردم هند بد نیستند و اگر نسبت به ظلمی که در کشمیر می‌شود آگاه شوند اصلاً نمی‌گذارند که نسبت به مردم کشمیر ظلم شود، اما

دولت اجازه نمی‌دهد که این اعتراضات در کشمیر منعکس شود. هر دولتی که در هند بر سر کار می‌آید صرفاً به دلیل اینکه حزبش تضعیف نشود، در مورد کشمیر اظهار نظر نمی‌کند. در پی حوادث سال ۲۰۰۲م چون حزب حاکم داشت شکست می‌خورد، تصمیم گرفتند که کمیته‌ای را به کشمیر بفرستند تا همه مردم اعم از بازاری‌ها، سیاسیون، مخالفان، جدایی‌طلبان و... مذاکره کنند و گزارشی تهیه شود تا دولت هند براساس آن عمل کند تا اینکه اعتراضات تا حدودی خاموش شود. در این کمیته ۴ پروفیسور و نیز یک مسلمان حضور داشتند. از آن زمان تاکنون ۶ سال گذشته است و هیچ عملی در این مورد صورت نگرفته است. این در حالی است که خود دولت هند وعده داده بود که بر اساس گزارشی که جمع‌آوری می‌شود عمل خواهد کرد، اما عمل نکردند. از زمانی که آقای مودی بر سر کار آمد، مردم کشمیر احساس ناامنی بیشتری می‌کنند و خفقان وجود دارد. به عبارتی هیچ کس نمی‌تواند حرف بزند. مثلاً هر کس اعتراضی کند و حرفی بزند، مورد ضرب و شتم قرار گرفته یا کشته می‌شود. بنابراین در دولت کنونی هند هیچ کشمیری حق اعتراض علیه هند را ندارد. وقتی این وضعیت ادامه داشته باشد، شرایطی به وجود می‌آید که دیگر نمی‌توان اعتراض مردم را خفه کرد و اعتراضات روز به روز بیشتر می‌شود. اگر هند بخواهد با ارتش خود کشمیر را جزئی از هند نگه دارد، نمی‌تواند. شاید بتواند ظاهراً کنترل سرزمین کشمیر را به دست بگیرد اما نمی‌تواند دل مردم را به دست بیاورد. شاید اگر حکومت هند با مردم کشمیر رفیق بود و با مردم مهربانی می‌کرد و در این ۶۰ سال که در منطقه کشمیر حضور دارد، برای مردم کار می‌کرد، برق کشمیر را تأمین می‌کرد و... مردم کشمیر با هندی‌ها می‌ساختند و بسیاری از اعتراضات شکل نمی‌گیرد. در مقابل

مردم پاکستان از مردم کشمیر طرفداری بسیاری می‌کنند، اما دولت پاکستان خود نوکر استکبار است و موضع خود را با استکبار هماهنگ می‌کند. اما زمانی که از سوی مردم پاکستان به آن‌ها فشار می‌آید یک موضع‌گیری سریع انجام می‌دهند ولی دولت پاکستان در ۵-۶ سال گذشته موضع‌گیری خاصی نسبت به کشمیر نداشته است. اما مردم پاکستان به شدت طرفدار مردم کشمیر هستند و برای مظلومیت آن‌ها تأسف می‌خورند. در رابطه موضع نظام جهانی سلطه، باید عرض کنم که چرا در ۶۷ سال گذشته غربی‌ها که دم از حقوق بشر، لیبرالیسم، حق بیان، دموکراسی و... می‌زنند، چرا نسبت به اوضاع مردم کشمیر اعتراض نمی‌کنند؟! چون در کشمیر منافی ندارند! هدف استکبار در همه جا این است که هر جا که منفعت داشته باشند ورود می‌کنند و جایی که در آن منفعت نداشته باشند به آن ورود نمی‌کنند. به این خاطر کشورهای غربی هیچ‌گاه به نفع مردم کشمیر موضع نخواهند گرفت. منفعت غرب این است که هند و پاکستان کماکان درگیر باشند. این باعث می‌شود که این دو کشور کماکان از آن‌ها اسلحه بخرند، کمک نظامی بگیرند و از طرفی غربی‌ها بتوانند از آن‌ها کار بکشند. نگاه و توقع مردم کشمیر از جمهوری اسلامی ایران بسیار زیاد است و چنین توقعی را از هیچ یک از کشورهای اسلامی دیگر ندارند. مردم کشمیر برای رسیدن به اهداف خود هیچ‌گاه به عربستان سعودی نمی‌نگرند. اما هر موقع که یک وزیر از ایران به هند می‌رود، مردم کشمیر نسبت به این وزیر امید دارند و خوشحال می‌شوند که یک نماینده رسمی ایران در رابطه با کشمیر حرفی زده باشد. در حال حاضر در جمهوری اسلامی ایران در نگاه اول، گاهی مقاله‌هایی در رابطه با اعتراضات مردم کشمیر نوشته می‌شود و گاهی نیز مردم به صورت انفرادی اعتراضاتی را نسبت به اقدام

هندی‌ها انجام داده‌اند. حال در مدت زمانی که این رسانه‌ها باز بوده‌اند که الآن نیز باز شده‌اند، نگاه کنید که این رسانه‌ها تا چه اندازه این مقاله‌ها و اعتراضات مردم ایران را انعکاس داده‌اند. این رسانه‌ها می‌دانند که فردی که در خانه خود عکسی گرفته و منتشر کرده است از این قرار که مردم کشمیر را نکشید، این در حد حرف است، اما روی آن پوشش بزرگی می‌دهند که جمهوری اسلامی آمده است تا از ما حمایت کند. از طرفی اعتراض علمای بزرگ ایران از جمله آیت ... کعبی، آیت ... شاهرودی، آیت ... نمازی و... نسبت به حوادث کشمیر در رسانه‌ها این منطقه پوشش بسیاری داده شده است. لازم است اشاره کنم که کشمیر مسئله‌ای به نام شیعه و سنی ندارد. مسئله در کشمیر مظلومیت و انسانیت است. وقتی ارتش هند به یک کودک ۵ ساله حمله می‌کند و با آهن وی را می‌زند نشان از مظلومیت مردم کشمیر دارد. اقدامات ارتش کشمیر علیه کودکان، زنان و سالخورده‌ها مسئله انسانیت را به میان می‌کشد. شیعیان در کشمیر بیشترین اعتراضات را دارند و در همه روز در خیابان‌ها هستند. بسیاری از شیعیان در زندان است و کشته نیز داده‌اند حال اگر کم تعداد هستند به این خاطر است که تعداد شیعیان کشمیر کم است. با این حال چرا در شرایطی که در کشمیر ۵۰۰۰ هزار نفر مجروح ۵۳ نفر کشته و ۲۰۰ نفر ناپینا شده‌اند، چرا کسانی که مدعی دفاع از حقوق بشر دارند، حرفی نمی‌زنند و صدایی از آن‌ها برنمی‌خیزد؟! چون این مسلمان‌ها هستند که دارند کشته می‌شوند! این در حالی است که آن‌ها مسلمانان عادی و پاک هستند که دارند می‌میرند. بنده خیلی متعجب شدم وقتی دیدم برخی آن‌ها را افراطی می‌نامند. بنده یک مقاله عالی از آقای زارع مطالعه کردم که مقاله بسیار خوبی بود و تحلیلشان قوی بود. در کشمیر اینگونه نیست که

مردم با هندوها همزیستی نداشته باشند، بلکه مردم کشمیر اصلاً نمی‌خواهند جزئی از هند باشند و حق دارند. چرا در کشمیر رفتارندوم برگزار نمی‌شود؟! جمهوری اسلامی ایران گرچه لازم است که ملاحظات سیاسی خود را داشته باشد، ولی باید در روابطی که با هند برقرار می‌کنند کاری کنند که اعتماد مردم کشمیر از دست نرود و نگاه مردم کشمیر نسبت به ایران سرد نشود. اینکه دیپلماسی ایران چگونه این را انجام می‌دهد، به مسئولین ایران برمی‌گردد، ولی باید توجه داشته باشند که مردم کشمیر، مردمی انقلابی، مسلمان، دلسوز و... هستند و اگر بر ضد جمهوری اسلامی ایران اتفاقی بیفتد به خیابان‌ها می‌ریزند و برای کل جهان اسلام نیز همین‌گونه عمل می‌کنند اما لازم است که در شرایطی که آن‌ها مظلوم واقع می‌شوند نیز اقداماتی از سوی ایران صورت پذیرد. متأسفانه نه تنها در سطح جهان اسلام بلکه در کل جهان کمتر کسی نسبت به وضعیت مسلمانان کشمیر تأسف می‌خورد. با این حال جای شکر دارد که به واسطه شبکه‌های اجتماعی ظلمی که به مردم کشمیر می‌شود به مردم هند منتقل شده است و برخی هندی‌ها نیز در اعتراض به این اقدامات ارتش هند تظاهرات می‌کنند که چرا ارتش کودکان و زنان را کتک می‌زند. در هر صورت لازم است که جمهوری اسلامی ایران موضع خود در قبال کشمیر شفاف‌تر و پررنگ‌تر کند

**مجری:** بعضاً این موضوع در رسانه‌ها مطرح می‌شود که جریان‌های تکفیری در کشمیر حضور دارند. آیا واقعا چنین چیزی وجود دارد یا اینکه صرفاً یک بحث شبهه‌ناک است؟

**سبط محمد شبیر:** همانطور که عرض کردم، ما که گروهی تحت عنوان تکفیری یا وهابی در کشمیر وجود ندارد. البته ممکن است که جریان‌های شبه‌نظامی که از پاکستان وارد هند



می‌شوند چنین تفکراتی داشته باشند اما در کشمیر و مردم آن چنین فکری وجود ندارد. جریان اهل حدیثی نیز که در کشمیر حضور دارد، با هند درگیری ندارد و در اعتراضات نیز شرکت نمی‌کنند. به عبارتی آن جریاناتی که در کشمیر از سوی عربستان مورد حمایت قرار می‌گیرند اصلاً در حال معارضه با هند نیستند و در نهضت آن شرکت ندارند، برعکس آن‌ها به دولت هند بسیار نزدیک هستند. شاید ممکن است در جایی اعتراضی کرده باشند اما بنده با توجه به اینکه در کشمیر حضور داشته‌ام، تاکنون اعتراضی از آن‌ها در خصوص آزادی کشمیر ندیده‌ام. در کشمیر تکفیری وجود ندارد اما اهل حدیثی که در کشمیر هستند و از سوی عربستان تغذیه می‌شوند اعتراضی نسبت به هند ندارند. البته قبلاً در میان آن‌ها یک نفر معتدل بود که با شیعیان نزدیک بود که به‌طور مشکوکی کشته شد. شبهاتی که در رابطه با حضور تکفیری‌ها در کشمیر مطرح می‌شود برای ایجاد تفرقه است و ما باید طرفدار این آیه قرآن که می‌فرماید «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا» باشیم. امام و مقام عظمای ولایت همواره به ما تأکید کرده‌اند که میان سنی و شیعه باید متحد باشند و محور اتحاد نیز پیامبر اعظم (ص) باشد. وقتی ما طرفدار ولایت هستیم، باید مطیع ولایت نیز باشیم و نظری را قبول داشته باشیم که از سوی ولایت مطرح می‌شود. نظر ولایت این است که جهان اسلام چه شیعه و چه سنی در اتحاد با هم باشند و ما نباید جریان‌های اسلامی را به شیعه و سنی تقسیم بندی کنیم. بعضی از سخنانی که بنده در برخی از مصاحبه‌ها دیده‌ام اگر در کشمیر به زبان محلی پخش شود ممکن است باعث کشته شدن شیعیان شود و به ضرر شیعیان تمام شود. چنین صحبت‌هایی باعث می‌شود که تمام زحماتی که شیعیان کشیده‌اند از بین برود. نباید اینگونه سخن

گفت. آن زحمتی که شیعیان و مسلمانان در کشمیر کشیده‌اند که باعث شده است مسلمانان شیعه و سنی در کنار یکدیگر زندگی کنند و انقلاب اسلامی را دوست داشته باشند و صحبت از حکومت اسلامی بنمایند ما نباید با صحبت‌های خود آن را از بین ببریم. در حال حاضر بزرگترین علمای شیعه در کشمیر در نهضت این منطقه حضور دارند. همین‌ها هستند که در نهضت کشمیر شخصیت نافذ دارند. این سخن از کجا آمده است که می‌گوید شیعیان در نهضت کشمیر نقش ندارند. شما نگاه کنید که در تظاهرات در منطقه ماگام چه تظاهرات عظیمی از سوی شیعیان این کشور صورت گرفته است! در این جریان تعداد زیادی از شیعیان کشته و زخمی شدند. در کشمیر اصلاً بحث شیعه و سنی در میان نیست، بلکه مسئله، مسئله مظلومیت است.

**پرسش‌کننده:** مضمون مصاحبه‌ای که می‌فرمایید چه بوده است؟

**سبط محمد شبیر:** نوشته شده بود که این جریان در کشمیر ربطی به شیعیان ندارد و شیعیان در این جریان‌ها آسیبی ندیده‌اند. چه بسا این افراد گروه‌های افراطی باشند و اگر سرکوب نشوند، ممکن است که شیعیان را بکشند. این حرف‌ها نادرست است و می‌تواند منجر به نابودی ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار شیعه‌ای شود که در کشمیر حضور دارند. در حال حاضر خشم مردم بسیار بالاست و ارتش ۸۰۰ هزار نفری هند قادر نیست که این خشم را کنترل کند. آیا ما باید کار کنیم که آن‌ها خشم خود را بر سر شیعیان بریزند؟! نباید چنین حرف‌هایی زده شود.

**مجری:** سؤالات بنده همین‌جا تمام شد و در ادامه در خدمت دوستان خواهیم بود تا اگر سؤالی دارند بپرسند تا ما استفاده کنیم.

**پرسش کننده:** حضرت عالی در رابطه با عدم موفقیت کشمیر در دستیابی به استقلال خود فرمودید که چند دلیل وجود دارد، ولی در موقع توضیح دادن صرفا به یک دلیل بسنده کردید که همانا عدم وجود تصور درست از امامت و ولایت بود. بنده تصور می‌کنم که بقیه دلایل در صحبت‌های شما گم شد و به آن پرداخته نشد. اگر ممکن است در رابطه با شکست جریانات استقلال طلبی کشمیر توضیحات بیشتری را ارائه کنید.

**سبط محمد شبیر:** یک مورد از دلایل را پیش از این باز کردم. دلیل دوم این است که دولت هند اجازه نداده است که اتفاقاتی که در کشمیر رخ می‌دهد به گوش جهانیان برسد و مظلومیت مردم کشمیر در مقابل دیدگان مردم دنیا قرار گیرد. اگر تصاویر این مظلومیت به جهانیان رسیده بود و هند در برابر اعتراضات جهانی قرار می‌گرفت، ممکن بود که تا حدی این مسئله حل شده باشد. مسئله سوم این است که هر دو دولت هند و پاکستان نگاهی مخلصانه نسبت به کشمیر ندارند، چرا که اگر بر اساس نگاه بشردوستانه به مسئله کشمیر نگاه می‌کردند حتما این مسئله تاکنون حل شده بود. دلیل دیگر این است که سازمان مللی که دم از حقوق بشر می‌زند و خود را نماینده جهانیان می‌داند، در رابطه با کشمیر ساکت است. سازمان ملل در دست استکبار است و هر چه را که استکبار می‌گوید به آن عمل می‌کند. حتی سازمان ملل گزارش خود در رابطه با تجاوز عربستان به یمن را در پی تهدید این کشور نادیده گرفت. بنابراین استکبار و استعمار هیچ‌گاه به کشمیر کمک نخواهد کرد. در چنین شرایطی کشمیر تنها یک راه در پیش رو دارد و آن اینکه صدای مظلومیت خود را به سراسر جهان برساند، اما کشمیر تاکنون موفق نشده است که صدای خود را به مردم دنیا برساند، چون کسی نبوده است که صدای آن‌ها را منتقل کند و

به جهان برساند. در طی مبارزات ۲۵ ساله مردم کشمیر ۹۰ هزار نفر کشته و ۱۲ هزار نفر مفقود شده‌اند که ۳ هزار نفر از این مفقودی‌ها شیعیان هستند، اما صدای این جنایات به گوش مردم جهان نرسیده است. در جریانات اخیر حدود ۵۳ نفر کشته شده‌اند. در کجای جهان اینگونه است که ۵۳ نفر به‌طور مستقیم توسط ارتش کشته شوند و هیچ کس حرفی نزد. این به واسطه شبکه‌های اجتماعی بوده است که مظلومیت مردم کشمیر منعکس شده است و الا خیلی‌های از جنایات ارتش هند خبردار نمی‌شدند. در کشمیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی غیر قانونی است و اگر کسی از این شبکه‌ها استفاده کند وی را سریعاً دستگیر می‌کنند. عکس‌هایی که از کشمیر توسط شبکه‌های اجتماعی پخش می‌شود بیشتر از سوی کسانی است که در خارج از هند هستند. منطقه کشمیر در حال حاضر فاقد ماهواره و تلویزیون است و همه چیز بسته است. هم‌اکنون راه‌ها به سمت کشمیر بسته است و این منطقه دسترسی به منابع دارویی ندارد. در بیمارستان مردم برای مجروحان و همراهان آن‌ها غذا تهیه می‌کنند که البته ارتشیان آن‌ها را نیاز می‌خواستند بیرون کنند. چرا؟! چون در آنجا نیز مردم اعتراض می‌کنند. اگر این صدا به گوش جهانیان می‌رسید، حتما کشمیر موفق می‌شد.

**پرسش کننده:** سؤال بنده در مورد شبهاتی است که در مورد مردم کشمیر گفته می‌شود. یک شبهه این است که می‌گویند برهان وانی خود سنی بوده و گرایش سلفی‌گری داشته است. **سبط محمد شبیر:** خیر ایشان ابا سلفی نیست و یک بومی کشمیری است. وقتی در سال ۲۰۱۰، ۱۱۰ نفر از مردم کشمیر کشته شدند، ایشان به حزب مجاهدین پیوست که یک حزب مسلح شورشی است که علیه هند می‌جنگد. این حزب کاملا بومی است و تکفیری و افراطی نیست. برهان وانی یک فرد

مسلمان است. حرف وی این است که مردم و مسلمانان کشمیر مظلوم هستند و کسی نیست که به داد آن‌ها برسد. ما با مبارزات مسلحانه خود سعی می‌کنیم تا کشمیر را آزاد کنیم. علت نفوذ برهان وانی در میان مردم کشمیر این صحبت‌های اوست و گرنه نفوذ خیلی زیادی ندارد. خشم مردم کشمیر نسبت به هند همیشه هست و فوران آن نیازمند بهانه است. کشته شدن برهان وانی نیز یک بهانه برای شروع اعتراضات بوده است. شاید این صحبت‌ها که برهان وانی سلفی است، کار جریان‌های شیرازی است تا اجازه ندهند که جمهوری اسلامی به سنی‌ها نزدیک شود و فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در منطقه ای که به ایران صغیر مشهور است گسترش یابد.

**پرسش‌کننده:** یکی از دلایلی که گفته می‌شود اجازه نداده است که مسئله کشمیر حل شود، این است هندی‌ها پاکستان را مقصر وقوع اعتراضات در کشمیر می‌دانند؟ نظر شما چیست؟  
**سبط محمد شبیر:** در حال حاضر وزیر کشور سابق ویجی دانداران، مینی شاکر عین که یک کارشناس در مذاکرات میان هند و پاکستان بود، سروزیر سابق کشمیر که عمر عبا... باشد، رادا کشن، کدپا پونگار همگی از افراد مهمی هستند که می‌گویند اعتراضات کشمیر را نباید به گردن پاکستان انداخت، چرا که اصلا به پاکستان ربطی ندارد. البته ممکن است که پاکستان سعی کند که از اوضاع کشمیر سوءاستفاده نماید (از طریق گروه‌های شبه نظامی) ولی در جریاناتی که در کشمیر به صورت خودجوش مردمی به وقوع می‌پیوندد نقشی ندارد. زمانی که مسئولین هند می‌خواهند نسبت به وقایع کشمیر پاسخگو باشند، نمی‌توانند بگویند که مردم برای دستیابی به استقلال خود اعتراض می‌کنند چون اگر چنین بگویند کار تمام می‌شود. لذا مسائل را به سنگ‌اندازی‌ها پاکستان نسبت

می‌دهند. ولی وقتی که وزیر داخلی قبلی می‌گوید مسئله ربطی به پاکستان ندارد و باید حل شود چه؟ زمانی که سروزیر کشمیر خود می‌گوید که اگر می‌خواهید کشمیر امن باشد و به حالت عادی برگردد باید مذاکرات میان هند، پاکستان و مردم کشمیر که جدایی طلب باشند برگزار شود و غیر از این راه دیگر وجود ندارد. این مسئله اگر با گفتگو و مذاکره حل نشود، از هیچ راه دیگری حل نمی‌شود. یک کارشناس مسائل سیاسی در هند به نام هنده درایش می‌گوید که بیش از آن که کشمیری‌ها نیاز به استقلال از هند دارد، هند نیاز بیشتری برای استقلال از کشمیر دارد و هر چه که هند بیشتر در مسائل کشمیر درگیر شود، ضرر بیشتری از آن می‌بیند. این صحبت‌ها که گفته می‌شود که اعتراضات ناشی از دخالت‌های پاکستان است، صحبت‌های سیاسی است. پاکستان نیز البته می‌خواهد که کشمیر به این کشور ملحق شود. این در حالی است که هند از میان مردم کشمیر آمار گرفته است و تنها ۲ درصد از مردم کشمیر خواهان پیوستن به پاکستان هستند. شاید ۲۰ سال پیش ۲۵-۲۰ درصد از مردم کشمیر خواهان پیوستن به پاکستان بودند اما این اکنون به ۲ درصد رسیده است. زمانی که محبوبیت گزینه پیوستن به پاکستان در میان مردم کشمیر ۲۰ درصد بوده است، جریانات اعتراضی تا این حد شدت نداشته است اما حال که به ۲ درصد رسیده است اعتراضات به این شدت رسیده است. بنابراین نسبت دادن اعتراضات کنونی کشمیر به پاکستان صرفا سیاسی است.  
**پرسش‌کننده:** منطقه کشمیر از نظر اقتصادی و ژئوپولیتیک چه اهمیتی دارد؟

**سبط محمد شبیر:** کشمیر هم از نظر ژئوپولیتیک برای هندی‌ها مهم است، هم از نظر استراتژیک و هم از نظر اقتصادی. کشمیر منطقه‌ای توریستی است که میلیون‌ها فرد برای

گردشگری به آن می‌آیند. آمدن گردشگر به یک کشور در آنجا ایجاد شغل می‌کند. مزیت ورود این گردشگران مستقیماً به هند می‌رسد، چون به واسطه هند وارد این منطقه می‌شوند و چیزی به کشمیر نمی‌رسد. آبی که در کشمیر وجود دارد قابلیت تولید ۲۶ هزار مگاوات برق دارد. کشمیر دارای منابع معدنی گرانبها است که به علت جنگ امکان استخراج آن‌ها وجود ندارد

**پرسش‌کننده:** چه معادنی؟

**سبط محمد شبیر:** انواع معدن. که حجم آن از منابع معدنی ۱۲۰ کشور بیشتر است. این در حالی است که این منابع معدنی متروک مانده است. ارتش هند درختان کشمیر را قطع می‌کند و به هند می‌برد. زمانی ارتش کشمیر مردم را به زور تفنگ می‌برد و از آن‌ها کار می‌کشید تا این درختان را به هند ببرند. بنده خود در منطقه بوده‌ام و این وضعیت را درک کرده‌ام. اگر شما منطقه را ببینید نسبت به حال مردم گریه خواهید کرد. بگذارید نکته جالبی به شما بگویم. در کشمیر کسی حق کشتن سگ ندارد. به قدری تعداد سگ‌ها در کشمیر زیاد شده است که سگ‌ها مردم را زخمی می‌کنند.

**پرسش‌کننده:** چرا؟

**سبط محمد:** مسائل حمایت از جانوران و... گاو را که اصلاً نمی‌توان کشت ولی کشتن انسان ایرادی ندارد! اگر کسی گاو بکشد باید به زندان رفته و اعدام شود ولی وقتی ارتش انسان‌ها را می‌کشد زندان رفتنی در کار نیست.

**پرسش‌کننده:** ممکن است که راجع به اختیارات ویژه ارتش هند توضیح دهید؟

**سبط محمد شبیر:** قانون اختیارات ویژه ارتش هند که از ۲۶ سال قبل در کشمیر وجود دارد و خیلی از مردم تاکنون به این

قانون اعتراض کرده‌اند. هم سروزیر، هم وزرا و... به این قانون اعتراض کرده‌اند که این قانون باید از کشمیر برداشته شود.

**پرسش‌کننده:** آیا این قانون فقط مخصوص کشمیر است؟

**سبط محمد شبیر:** بله فقط مخصوص کشمیر است.

**پرسش‌کننده:** چه اختیاراتی را به ارتش می‌دهد؟

**سبط محمد شبیر:** به ارتش این اختیار را می‌دهد که به یک فرد شک کند که شبه‌نظامی است، وی را بکشد و بعد از کشتن مورد تعقیب قضایی قرار نگیرد. طی تظاهرات نیز که مردم را می‌کشند بهانه می‌کنند که چه بسا در میان مردم یک شبه نظامی بوده است و ما وی را کشته‌ایم. این خیلی قانون بی‌اساسی است به ویژه این که سروزیری که حاکم منطقه است نمی‌تواند ارتش را از این کار باز دارد.

**پرسش‌کننده:** محبوبیت حزب مجاهدین در میان مردم چقدر است و تا چه اندازه نفوذ دارد؟ همچنین آیا برهان رهبر این گروه است؟

**سبط محمد شبیر:** برهان وانی رهبر این گروه نیست. رهبر حزب مجاهدین، سید صلاح الدین است که اسم اصلی وی سید یوسف شاه می‌باشد. ایشان در انتخابات کشمیر در سال ۱۹۸۷م در انتخابات شرکت کرد و وقتی دید که از راه مسالمت‌آمیز امکان دستیابی به خواسته مردم کشمیر وجود ندارد، به سمت جنگ و حمله مسلحانه رفته است. حزب مجاهدین چون بومی کشمیر است، از آن در کشمیر استقبال می‌شود. گروه‌های شبه‌نظامی که از پاکستان به این منطقه می‌آیند چندان مقبولیتی میان مردم این خطه ندارند. تاکنون مردم کشمیر نسبت به کشته شدن شبه‌نظامی‌های پاکستانی اعتراض نکرده‌اند. اما هر موقع که یک شبه‌نظامی بومی در منطقه کشمیر کشته می‌شود، اعتراضات مردمی صورت می‌پذیرد.

**پرسش کننده:** اینکه گفته می‌شود که میان فرماندهان حزب مجاهدین ممکن است که ارتباطاتی با عناصر تکفیری و سعودی وجود داشته باشد، چطور؟! منظور بنده ارتباط رهبران این حزب با سعودی است!

**سبط محمد شبیر:** براساس اخباری که در دست بنده است، چنین چیزهایی میان رهبران آن‌ها مطرح نیست. لاقلاً در حرف که می‌گویند که با رهبران طالبان مبارزه می‌گویند اما در واقعیت خدا می‌داند که راست می‌گویند یا خیر. حال اگر ما به حزب مجاهدین حسن ظن داشته باشیم می‌گوییم که ارتباطی میان آن‌ها و طالبان نیست و اگر سوءظن داشته باشیم می‌گوییم که ارتباط دارند، زیرا که دسترسی مستقیمی به آن‌ها نداریم. به هر حال نمی‌توان بر اساس احتمالات قضاوت کرد.

**پرسش کننده:** ساختار سیاسی کشمیر چگونه است؟ آیا پارلمان و وزیر دارند؟ آزادی ساختار سیاسی کشمیر تا چه اندازه است؟ نحوه تعامل اهل سنت و تشیع در کشمیر به چه شکل بوده است. آیا سابقه درگیری و اختلاف میان آن‌ها وجود داشته است؟ آیا میان رهبران بومی آن‌ها جلساتی برگزار می‌شود یا اینکه نگاه فرقه‌گرایانه در آنجا وجود دارد؟

**سبط محمد شبیر:** در کشمیر سابقاً نخست‌وزیر وجود داشت اما اکنون سروزیر وجود دارد. دو جریان بومی و چند جریان هندی در آنجا وجود دارند آن‌ها در حد یک شهردار در کشمیر اختیار دارند و گرنه اختیار سیاسی ندارند. می‌توانند کارمند استخدام کنند، کار عمرانی انجام دهند و خرابی‌ها را تعمیر کنند و از این قبیل کارها. رابطه میان شیعیان و سنی‌های منطقه کشمیر همواره خوب بوده است حال ممکن است که برخی درگیری‌ها جزئی در برخی برهه‌های زمانی به وجود آمده باشد، مثلاً یک بار عربستان سعودی به قدری در کشمیر هزینه کرد

تا بتواند یک جریان تقابلی را میان شیعه و سنی آنجا به راه بیندازد. به هر حال میان شیعه و سنی کشمیر ارتباط وجود دارد. بنده در مجلس علما و مجلس اتحاد ملت در کشمیر حضور دارم که در آن شیعه و سنی با یکدیگر می‌نشینیم و در کنفرانس‌ها و جلسات همه جا با هم هستیم. گاهی آن‌ها ما را دعوت می‌کنند و گاهی ما آن‌ها را دعوت می‌کنیم. همچنین سنی‌های خیلی انقلابی نیز داریم که شاید از ما نیز داغ‌تر باشند که می‌آیند و در مورد انقلاب اسلامی ایران حرف می‌زنند. بسیاری نیز به ایران آمده‌اند. در کشمیر درگیری میان شیعه و سنی وجود ندارد گرچه عربستان سعودی تلاش بسیاری کرده است تا چنین جریاناتی را به وجود بیاورد اما موفق نشده است و ان شاء الله در آینده نیز نخواهد توانست.

**پرسش کننده:** عربستان سعی کرده تا از چه طریقی در کشمیر نفوذ کند؟

**سبط محمد شبیر:** عربستان سعودی سعی می‌کند که میان شیعه و سنی تفرقه بیندازد تا اینکه بتواند سنی‌ها را به نفع خود احساساتی کند.

**پرسش کننده:** عربستان از چه طریقی می‌خواهد نفوذ کند، مثلاً مدرسه مذهبی احداث کرده است یا کار دیگری کرده است؟

**سبط محمد شبیر:** البته عربستان در کشمیر مدرسه مذهبی احداث کرده است ولی روش کار عربستان اینگونه است که به کسی پول بدهد تا از طریق آن درگیری شیعه و سنی راه بیندازد. به هر حال مردمی که دین و ایمان ندارند، حاضرند که به خاطر پول دست به هر کاری بزنند. ولی مهم‌ترین چیز در این میان علمایی هستند که جلوی آن‌ها را گرفته‌اند و در مواقع وقوع درگیری شیعه و سنی از تفرقه جلوگیری کرده‌اند.

**پرسش کننده:** آیا در عربستان جریانی وجود دارد که مستقیماً به عربستان متصل باشد؟

**سبط محمد شبیر:** بله! جریان اهل حدیث که از طریق هند نیز مورد حمایت قرار می‌گیرند. اهل حدیث با هند درگیر نیستند و در رابطه با استقلال کشمیر نیز سخنی به میان نمی‌آورند. در رابطه با جریان‌های اخیر کشمیر نیز اهل حدیث هیچ اعلام موضعی نکرده است. اما جریان جماعت اسلامی در کشمیر که طرفدار پاکستان هستند، مخالفت شدید نسبت به هند دارند. این جریان طرفدار اخوان المسلمین و فلسطین هستند و با عربستان نیز رابطه بدی دارند و به خاطر مسئله فلسطین رابطه نزدیکی با ایران دارند. در حقیقت جریان جماعت اسلامی در کشمیر شاخه‌ای از اخوان المسلمین است.

**پرسش کننده:** ممکن است که تعدادی از بزرگان این جریان را نام ببرید؟

**سبط محمد شبیر:** الوکیل زاهد، سید شاه و سایرین.

**پرسش کننده:** این افراد سنی هستند؟

**سبط محمد شبیر:** بله!

**پرسش کننده:** ممکن است که راجع به لشکر طیبه توضیح بیشتری دهید؟

**سبط محمد شبیر:** لشکر طیبه دو شاخه است، یکی که در پاکستان قرار دارد و دیگری که در کشمیر علیه هند می‌جنگد. کسانی که زیر پرچم لشکر طیبه در کشمیر می‌جنگند بومی نیستند و از پاکستان وارد این کشور می‌شوند. در مقابل لشکر طیبه‌ای که در پاکستان قرار دارد وابسته به جریان‌های تکفیری است.

**پرسش کننده:** به عبارتی لشکر طیبه ای که در پاکستان است می‌گوید که من با لشکر طیبه پاکستان ارتباطاتی ندارم؟

**سبط محمد شبیر:** آن کسانی که تحت عنوان لشکر طیبه وارد پاکستان می‌شوند چنین ادعایی دارند، چون آن‌ها در جریان جهاد کانسار هستند و می‌گویند که با لشکر طیبه پاکستان همراهی نمی‌کنند. شما می‌توانید به بیانیه‌هایی که در روزنامه‌های خود منتشر می‌کنند رجوع کنید که در آن مطالبی را علیه تکفیری‌ها و داعش می‌زنند. ولی به هر حال اینکه پاکستان پشت این جریان قرار دارد کاملاً مشخص است و به هر حال پاکستان از برخی تکفیری‌ها حمایت می‌کند. البته لشکر طیبه اثر چندانی در کشمیر ندارد، صرفاً از مرز کشمیر با پاکستان به صورت چریکی وارد می‌شوند، می‌جنگند و کشته می‌شوند.

**پرسش کننده:** با این حال حملات آن‌ها به اسم کشمیری‌ها تمام می‌شود؟

**سبط محمد شبیر:** ممکن است، اما دولت هند از این مسئله مطلع است. در لشکر طیبه یک نفر بومی این کشور پیدا نمی‌شود. اگر لشکر طیبه در کشمیر اثری داشت، بومی‌های این خطه از آن حمایت می‌کردند. پس چرا اینگونه نیست. برعکس در حزب مجاهدین شما نمی‌توانید یک خارجی را نشان بدهید. **مجری:** در انتها اگر مباحثی مانده است که می‌خواهید در مورد آن صحبت کنید بفرمایید!

**سبط محمد شبیر:** فکر می‌کنم باید اشاره کنم که جوانان انقلابی ایران باید در جریان باشند که نباید حرفی بزنند که به نفع ما تمام نشود و به نفع استکبار و کسانی که دشمن اسلام هستند تمام شود. سعی ما باید طوری باشد که سنجیده صحبت کرده و نباید زود احساساتی شویم. ما باید مطالعات فراوانی داشته باشیم. ما نباید با یک مقاله، مصاحبه رنجیده شویم به سمت اقدام حرکت کنیم. ما باید در مورد جریان‌های فعال در

نهضت‌ها اطلاعات کافی داشته باشیم و گرنه نمی‌توانیم تحلیل درستی از اتفاقاتی که می‌افتد داشته باشیم. در حال حاضر رسانه‌های غربی در مورد منطقه یکسری اطلاع مشخص را ترویج می‌کنند و اگر فرد مطالعات کافی نداشته باشد ممکن است که با مطالب رسانه‌های غربی گمراه شود. ما باید در مورد مظلومیت مردم کشمیر مطالعات خوبی داشته باشیم و نباید با یک حرف خود تمام زحمات چند ساله شیعیان و مردم کشمیر را نابود کنیم. انقلاب اسلامی ایران در کشمیر نفوذ دارد و محبوب قلب کشمیری‌هاست. در بین شیعیان ولایت به مثابه مرکز و محور است. ما نباید طور رفتار کنیم که مردم کشمیر از انقلاب اسلامی دلسرد شوند. کشمیر جوانان خوبی دارند که ولایت و ایران را دوست دارند. نباید جوانان کشمیر را دلسرد کرد. به هر حال ممکن است که دیپلماسی مسائل خاص خود را داشته باشد ولی

می‌توان به شکلی کار کرد که مردم کشمیر از ایران دلسرد نشوند. دیپلماسی این قابلیت را دارد که با یک تیر دو نشان بزند. از یک طرف به منافع خود برسد و ضرر نبیند و از طرف دیگر از مردمی که آن را خیلی دوست دارند حمایت کند و اجازه ندهد که آن مردم از جمهوری اسلامی ایران کنده شوند. مردم کشمیر به دولت ایران کاری ندارند بلکه به ولایت ایران کار دارند. از این رو هر دولتی که در ایران بر سر کار بیاید، برای کشمیری‌ها فرقی نمی‌کند. مردم کشمیر مردمی مستضعف هستند و وضعیت زندگی آن‌ها از فلسطینی‌ها نیز بدتر است. توقع مردم کشمیر از انقلاب اسلامی زیاد است، چون مردم کشمیر، مردمی واقعا مسلمان هستند و کسی که مسلمان باشد از وحشی‌هایی که به اسم اسلام مردم را می‌کشند نمی‌تواند توقع داشته باشند.



موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و فرهنگی روشنگر